

خرمشاهی در آیین نکوداشت هشتادمین زادروزش؛ **باهمه این برکاری نیم بیشتر عمر را به هیچ تلف کردم**



بهالالدین خرمشاهی، ادیب، حافظ پژوه، مترجم، ۲۷ فروردین‌ماه، در آیین نکوداشت هشتادمین زادروزش باعنوان «دل خرم»، خود را دانش آموزی پیر نامید

و گفت: بااین همه پر کاری می‌توانم بگویم نصف بیشتر عمرم را به هیچ و پوچ تلف کردم. به گزارش ایرنا، در این آیین، غلامعلی حدادعادل، رئیس و علی اشرف صادقی، محمود عابی، حسین معصومی همدانی و محمدجعفر باحتی اعضای پیوسته فرهنگستان زبان وادب فارسی دربار جوانب گوناگون فعالیت‌های علمی وادبی بهالالدین خرمشاهی سخن گفتند.

■ ■ ■

ثبت نام محمدرسول اف
در کتاب طلایی هامبورگ

نام محمدرسول اف، کارگردان برجسته ایرانی باحضور پتر چنچر، شهردار و کارستن پرسودسانتاور این ایالت در کتاب طلایی هامبورگ به ثبت رسید. به گزارش دویچه‌وله، رسم ثبت نام در کتاب طلایی در شهرهای اروپا به دوران قرون وسطی در ایتالیا برمی گردد که نام اشراف و بزرگانی را که به شهری وارد می شدند، در آن ثبت می کردند. از کتاب طلایی هامبورگ از زمان افتتاح ساختمان جدیدشهرداری در سال ۱۸۹۷ به این سواستفاده می شود.

■ ■ ■

همزمان با «روز جهانی بناهاو محوطه‌های تاریخی» بازدید از موزه‌ها روز جمعه را یگان است

بازدید از موزه ها، محوطه‌ها و بناهای تاریخی زیر نظر وزارت میراث فرهنگی، روز جمعه ۲۹ فروردین را یگان است. به گزارش اداره کل روابط عمومی وزارت میراث فرهنگی، همزمان با روز جمعه ۲۹ فروردین ماه «روز جهانی بناها و محوطه‌های تاریخی»، بازدید از تمام بناها، محوطه‌ها، پارک‌ها و موزه‌های وابسته به وزارت میراث فرهنگی در سراسر کشور را یگان است.

■ ■ ■

«همایون اسعدیان»:

«پیر پسر» فعلا قراردادی در شورای صنفی نمایش ندارد

دبیر شورای صنفی نمایش گفت: فیلم «پیر پسر» با وجود داشتن پروانه نمایش به دلیل بروز اختلاف میان دو پخش کننده، فعلا قراردادی در شورای صنفی نمایش ندارد. همایون اسعدیان در گفت‌وگویی باایسنا در پاسخ به اینکه آیا در آن نوبت دوم عید ممکن است فیلم «پیر پسر» هم نمایش داده شود؟ توضیح داد: علی‌رغم اینکه اعلام شده این فیلم توسط دفتر پخش عامربان فیلم اکران می‌شود، اما بین دو پخش کننده اختلاف (حقوقی) وجود دارد و به همین دلیل با اینکه «پیر پسر» باهمان مدت زمان بیش از سه‌ساعتی خود پروانه نمایش دارد، فعلا قراردادی در شورا برای آن ثبت نشده تا مسئله پخش کننده بر طرف شود.

■ ■ ■

مرور آثار جعفر پناهی در جشنواره سیدنی

هفتاد و دومین دوره جشنواره فیلم سیدنی، بخش ویژه‌ای را به مرور تمامی آثار جعفر پناهی فیلمساز ایرانی اختصاص داده است. به گزارش ایسنا، این مجموعه که توسط

آنکه‌لوو که گردآوری شده، شامل تمام ۱۰ فیلم بلند پناهی است،

سینماگر ایرانی که به دلیل فیلم‌های متعدد اجتماعی‌اش شناخته می‌شود؛ فیلم‌هایی که مرز بین واقعیت و داستان را محو می‌کنند؛ از جمله فیلم‌های این برنامه مرور آثار می‌توان به «بادکنک سفید» (۱۹۹۵)، «پنجه» (۱۹۹۷)، «دایره» (۲۰۰۰)، «طلای سرخ» (۲۰۰۳)، «افساید» (۲۰۰۶)، «بن یک فیلم نیست» (۲۰۱۱)، «برده بسته» (۲۰۱۳)، «تاکسی تهران» (۲۰۱۵)، «رخ سه» (۲۰۱۸) و «خرس نیست» (۲۰۲۲) اشاره کرد. جدیدترین ساخته پناهی با عنوان «یک تصادف ساده» نیز قرار است در بخش مسابقه اصلی جشنواره کن ۲۰۲۵ رونمایی شود. هفتاد و دومین جشنواره فیلم سیدنی ۲۰۲۵ از ۱۵ تا ۲۵ ژوئن (۱۷ تا ۲۵ خرداد) بر گزار می‌شود.

■ ■ ■

تهران میزبان مجمع جهانی گردشگری شهری شد

مدیرعامل منطقه فرهنگی و گردشگری عباس آباد که برای شرکت در اجلاس منطقه‌ای سازمان جهانی گردشگری ملل متحده به جاکار تاسفر که دست‌از توافقی برای میزبانی نخستین اجلاس مجمع جهانی گردشگری شهری در تهران خبر داد، سیدمحمدحسین حجازی بیان کرد: در حاشیه این اجلاس، توافقتامه برگزاری اولین اجلاس بین‌المللی «مجمع جهانی گردشگری شهری» توسط انوشیروان محسنی بندپی، معاون گردشگری وزارت میراث و زوراب پولولیکاشویلی دبیر کل سازمان جهانی گردشگری امضا و طبق توافقات انجام شده، تهران میزبان نخستین اجلاس مجمع جهانی گردشگری شهری شد. اوادامه داد: بر اساس این توافقنامه، اولین اجلاس مجمع جهانی گردشگری شهری، سومو چهارم تیرماه (۲۴ و ۲۵ ژوئن ۲۰۲۵) به میزبانی منطقه فرهنگی و گردشگری عباس آباد (وابسته به شهرداری تهران) بر گزار خواهدشد.

■ ■ ■

جلیلی در حیات‌دولت: از بودجه ساخت «پایتخت» اطلاع دقیق ندارم

رئیس سازمان صداوسیما درباره شیوه تصویب بودجه ساخت سریال «پایتخت» توضیحاتی ارائه کرد. به گزارش ایسنا، پیمان جلیلی در حاشیه جلسه دیروز هیأت دولت در جمع خبرنگاران اظهار کرد: بودجه ساخت سریال پایتخت در کمیته‌برآوردی که معمولا در سیمافیلم‌برای تهیه سریال هاشکیل می‌شود و متناسب با اجزای هر سریال همچون دکور، بازیگران و مواردی دیگر است، تصویب و پرداخت می‌شود که از میزان آن اطلاع دقیق ندارم. وی افزود: تلاش کردیم از فریب همزمانی ماه رمضان با تعطیلات سال جدید به خوبی استفاده کنیم و از زیبایی آن مخاطبان نیز نشان می‌دهد نتیجه در مجموع رضایت‌بخش بوده است.

گریخت»، «وایک فرشته بود» و... چگونه

باعث خلوت شدن خیابان‌ها می‌شد و عموم مردم از طیف‌ها و سنین مختلف خود را اوقف تلویزیون و تماشای این آثار می‌کردند. حالا باید آنچه خود مبدع آن بودند را از دست رفته تصور و ثمره آن را در کشور‌های مسلمان و همسایه نظاره کنند.

منوعیت: به محض انتشار سریال «معاویه» در رمضان امسال، خبر ممنوعیت این سریال از سوی کمیسیون ارتباطات عراق منتشر شد و کمی بعد‌تر، در ایران نیز این محدودیت و ممنوعیت زیرنویس و دوبله اعلام شد اما با وجود رونق شبکه‌های اجتماعی و دسترسی عموم مردم به فضای اینترنت، دیگر این‌گونه ممنوعیت‌ها مجلسی از اعراب ندارد چنان که سریال «معاویه» خیلی زود و همزمان با نمایش عمومی در شبکه MBC، زیرنویس و در کانال‌های تلگرامی مختلف در حال بازنشر است و دیگر مساله ممنوعیت و توقیف به آن معنای سابق خود در جهان ارتباطی امروز معنا و مفهومی ندارد، در عوض این

منوعیت و محدودیت‌ها در ایران سبب شد که عطش و توجه به سریال «معاویه» دو چندان شود و حتی مخاطبانی که از ماهیت و نمایش آن خبردار نشده بودند با این ممنوعیت و برخورد‌ها، به تماشای دنبال کردن آن تحریک شوند.

تاریخ اسلام و درام تاریخی: تجربه بازخوردها و بازبادهای سریال در ایران و جهان نشان داده که درام‌های تاریخی به جهت بازنمایی احوال و رفتار پیشینیان و روایت‌های ناگفته یا مجموع دربار، آنها از جمله گونه‌های مورد علاقه و کنج‌کاوی برانگیزی محسوب می‌شود که در ایران نیز مخاطبان زیادی داشته و دارد. «مختارنامه»، «امام علی»، «یوسف پیامبر» و حتی «تنهارتین سسراد»، «لایب عشق» از جمله مجموعه‌های تاریخی بودند که جملگی مورد توجه و پیگیری تماشاگران ایرانی قرار گرفتند تا نشان دهد سریال‌های متوسط تاریخی هم می‌توانند جذاب و تماشایی باشند چه برسد به سریال‌های دیگر سریال از عثمان، امیر المومنین علی (ع)، عمر، مالک اشتر، ابوسفیان و مادر آن در کتاب‌های تاریخی از جمله تاریخ طبری نقل شده، این چنین برآزنده، گونه تصویرسازی‌ها در شخصیت‌های دیگر سریال از عثمان، امیر المومنین علی (ع)، عمر، مالک اشتر، ابوسفیان و حتی هندجگر خوار نیز قابل بررسی و تحلیل است تا بحث جعلی و واقعی بودن سریال و شخصیت‌ها اولین و اصلی‌ترین

تصویرسازی و شکل‌دهی افکار عمومی: یکی از نکات مناقشه‌برانگیز این گونه سریال‌ها که در «معاویه»



محمد تقی زاده

معاویه یک سریال ۳۰ قسمتی در اثر درام تاریخی و محصول عربستان سعودی است که پخش آن در ماه رمضان سال ۲۰۲۵ آغاز شد. این سریال به زندگی معاویه بن ابی سفیان، بنیان‌گذار خلافت اموی در دمشق می‌پردازد. فیلم‌برداری این مجموعه در سال ۲۰۲۲ آغاز شد و با بودجه قابل توجه حدود ۱۰۰ میلیون دلار، به بزرگ‌ترین تولید در تاریخ درام تلویزیونی عرب تبدیل شد. این مجموعه توسط محمد الیاسری، خالد صلاح وبشار عباس نوشته شده و فارگردانی آن نیز بر عهده احمد مدحت بوده است.

این مجموعه تلویزیونی، بعد از سه سال تعویق و توقیف، امسال از طریق شبکه MBC پخش شده و با وجود سر ممانعت در ایران، عراق و برخی کشورهای مسلمان و شیعی، توانسته مخاطبان قابل توجهی را کسب کند. استناد این میزان بالای توجه، بحث و جدل هادر رسانه‌های فارسی و همچنین فضای مجازی است که در روزهای آغازین ماه مبارک رمضان شروع و همچنان ادامه‌دار شده است. اما اینکه چگونه یک سریال عربی توانسته این چنین مخاطبان را جذب و پیگیر تماشاشد؟ سوال اصلی این یادداشت

رسانه ملی: صدا و سیما بدون شک مقصر اصلی دیده و پسندیده شدن سریال معاویه است. وقتی که سال‌هاست از ظرفیت بالای ماه مبارک رمضان و سفره‌های افطار غافل شده و حالا باید غافله را باخته‌ن ببیند و برای از دست دادن مخاطبان مسلمان خود حسرت بخورد. حقیقت این است که فرهنگ ساخت سریال‌های ماه رمضان هم از مجموعه‌های کمدی یا ماورایی و معناگرا از ایران و صدا و سیما شروع شد اما پس از چند سال رخوت و سهل‌انگاری، حالا عرب‌ها یا «حشاشیش» و «معاویه» از این فرصت استثنایی فرغت مسلمانان در ماه رمضان استفاده کرده و هر آنچه خواسته و دوست داشتند به خود افکار عمومی و مسلمانان دادند. دست‌اندر کاران رسانه‌ملی فراموش نکرده‌اند که در سال‌های نه چندان دور سریال‌های چون «زن‌گاه»، «میوه ممنوعه»، «صاحب‌دلان»، «خانه بدوش»، «متهم

ممنوعیت و محدودیت‌ها در ایران سبب شد که عطش و توجه به سریال «معاویه» دو چندان شود و حتی مخاطبانی که از ماهیت و نمایش آن خبردار نشده بودند با این ممنوعیت و برخورد‌ها، به تماشای دنبال کردن آن تحریک شوند

■ ■ ■

منوعیت و محدودیت‌ها در ایران سبب شد که عطش و توجه به سریال «معاویه» دو چندان شود و حتی مخاطبانی که از ماهیت و نمایش آن خبردار نشده بودند با این ممنوعیت و برخورد‌ها، به تماشای دنبال کردن آن تحریک شوند

تصویرسازی و شکل‌دهی افکار عمومی: یکی از نکات مناقشه‌برانگیز این گونه سریال‌ها که در «معاویه»

■ ■ ■

درباره کیفیت بازنمایی روابط عاطفی در تئاتر این روزها

ناپایداری به وقت عاشقی



محمدحسین خایاتی

فصل بهار است و موسوم عاشقی، به راستی تئاتر این روزهای ما چگونه به عشق می‌پردازد و به چه طریق، پیدا و پنهان روابط عاطفی انسان معاصر ایرانی را به نمایش می‌گذارد. از این منظر می‌توان بار دیگر این پرسش را مطرح کرد که در زمانه پرستش فردگرایی و بدل کردن تفاوت‌های ذاتی به شباهت‌های ملال‌آور ناگزیر، آن‌هم به میانه‌جی دست‌نامرئی بازار سرمایه‌داری، در عصر گرایری و محبوبیت اقتدارگرایی و فناشدن «دیگری» و برآمدن جامعه‌ای انباشته از خودشیفتگی و غرق شدن در «دوزخ همسانی»، به واقع عشق در این مهلکه به چه کار ما می‌آید و «میل» انسانی چگونه پتانسیل رهایی‌بخش خویش را عیان می‌کند. به هر حال زمانه عسرت و حسرت است و نباید از یاد‌ها برد که وظیفه هنر و بخصوص هنر تئاتر، خلق جهان‌هایی است ممکن، اما به تجربه نیامده که بدل و وضعیت کنونی باشد تا شاید راهی به رهایی بگشاید و سعادت را به آحاد مردم طردشد، بنشارت دهد. آدورنو در کتاب «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی» به شکل درخشان‌ی تذکار می‌دهد که «هر چه عمیق‌تر در پدیده فردیت یابی انسانی کنکاش کنیم، و هر چه بیشتر فرد را موجودی خودبسته و پویا بدانیم، بیشتر به آن وجه از فرد نزدیک می‌شویم که به هیچ روی فردی نیست.» پس جای شگفتی نخواهد بود وقتی بدانیم که خصوصی‌ترین روابط انسانی ما به نوعی در نسبت با امر جمعی معنا می‌یابد و ساخت خصوصی زندگی، تحت سیطره ساخت‌های اجتماعی از نفس می‌افتد. اما با تمام نکات هراس‌آوری که بیان‌شدن این را بخت یاری ما انسان‌های معاصر است که همچنان «عشق» در پذیرش تمام‌هنجارها و معیارهای ملهم از سرمایه‌داری نئولیبرال سرباز می‌زند و به قول آلن بدیو «عشق صرفاً توافقی برای همزیستی خوشایند میان دو فرد نیست؛ عشق درواقع تجربه رادیکال و جود «دیگری» است، چه بسا رادیکال‌تر ین شکل آن.» با این مقدمه می‌توان تاملی انتقادی داشت نسبت به حضور عشق در صحنه‌های تئاتر این روزهای شهر تهران و در ادامه بانگهای انتقادی در تماشای عشاقی نشست که در کنشاکش دهر، تمنای عشاقی و یکی شدن با معشوق را در سری پروراند اما بهره چندان از این وادی نمی‌برند. از نظر فیلسوفی چون «بیونگ-چول هان» کمترین شرط برای عشق حقیقی، داشتن شهامت کافی برای پذیرش «انکار نفس» در جهت کشف «دیگری» است. همچنان که عشق یک «اجرا» بوده و می‌بایست به وجه پر فراموشی توجه داشت و آن را در حوزه اجرا گری صورت‌بندی کرد. اروس یا همان عشق حقیقی نسبتی با «دیگری» برقرار می‌کند که فراسوی دستاوردها و حتی خود «اجرا»ی عشق به دست عشاق است. بنابر این در این تلقی از فهم عشق که مبتنی

نقدی بر سریال «معاویه» و چرایی دیده‌شدن آن از سوی ایرانیان

«رسانه ملی»، «تصویرسازی افکار عمومی» و چند موضوع دیگر



از دواج‌های مکرر او هستیم که نمونه متاخر آن، آشنایی با کنیز خود در قصر و آوازخوانی و خاطره‌گویی با او است که شمایل تاریخی و جدی سریال را تا حد زیادی به اندازه سریال‌های عاشقانه و سطحی ترکی پایین آورده است.

یکی از تمهیدات سازندگان برای در قصه و شخصیت‌ها: تعلیق «تاریخ» استفاده کرده است به نحوی که مخاطب از قصه و روایت سریال چیزی برای دنبال کردن پیدا نمی‌کند که برای نمونه فلان اتفاق سرانجامش چه شد و از کجا به کجا ادامه پیدا کرد و یا فلان شخصیت قرار است چه سرنوشتی پیدا کند و به برسد بلکه خود تاریخ و اطلاعات پیشین او از برخورد معاویه و علی ابی‌طالب است که مشخص می‌کند برای نمونه منتظر روایتی علی و مالک اشتر در جنگ با معاویه باشند و گرنه ساختار و روایتگری سازندگان چنین انتظار و تعلیقی را در روند داستان ایجاد نمی‌کنند.

نشان دادن تمثال مبارک حضرت علی (ع) یکی از نکات قابل توجه این سریال است که بحث فقهی نشان ندادن امام اول شیعیان در سریال‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی از جمله «امام علی» را قطع می‌کند. تصویرهایی که به طور کلی می‌توانست در تداعی دقیق تر شمایل چهره‌های مذهبی موثر واقع شود اما جالب است که در همین سریال «معاویه» که چهره امیرالمومنین علی (ع) نشان داده می‌شود چهره پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) نشان داده نشده است. نکته مهم دیگر در تصویرسازی از امام اول شیعیان حضرت علی (ع) و تا قسمت دهم این است که امام علی (ع) با اینکه در امتداد خلای راشد از جمله ابوبکر، عمر و عثمان قرار داده شده چهره‌ای موجه، محل مشاوره و عاقل و منصف تصویر شده و هیچ گونه بی‌احترامی و هتک حرمتی بجز خلیفه چهارم نامیدن ایشان، در سریال و تا قسمت دهم صورت نگرفته است.

مشخص است که اتفاق سریال و نویسندگان سریال از موقعیت‌های تاریخی به عنوان وسیله‌ای برای ابراز و تبیین مضامین خود استفاده کرده‌اند از این لحاظ عمده سکانس‌های سریال، سکانس‌های معنادار و بااهمیتی هستند که قرار موضوع ماقوله‌ای را برای مخاطب تبیین کنند

محل مناقشه و بحث مربوط به سریال باشد تا جایی که حتی بحث سفیدشویی و تطهیر شمایی چون معاویه نیز درباره سریال بالا بگیرد. ساختار هنری و فضا سازی سریال: ساختار هنری سریال «معاویه» از سریالی نه چندان قوی و منسجم حکایت دارد که بیش از روایت‌گری قصه و شخصیت‌پردازی به نمایش سکانس‌های استراتژیک و معنادار بسنده کرده مضافا اینکه شیوه روایت سریال در بسیاری از لحظات فاقد معنا و منطق به نظر می‌رسد. این شخصیت تصویر سازی شده باشد اما این تصور تا چه اندازه با واقعیت سازگار است؟ آیا واقعا معاویه پسر ابوسفیان که از همان ابتدای تولد شیعانی درباره پدر و مادر آن در کتاب‌های تاریخی از جمله تاریخ طبری نقل شده، این چنین برآزنده، گونه تصویرسازی‌ها در شخصیت‌های دیگر سریال از عثمان، امیر المومنین علی (ع)، عمر، مالک اشتر، ابوسفیان و حتی هندجگر خوار نیز قابل بررسی و تحلیل است تا بحث جعلی و واقعی بودن سریال و شخصیت‌ها اولین و اصلی‌ترین

شخصیت پردازی در «معاویه» نیز

سرسی و سلیقه‌ای صورت گرفته است. معاویه به عنوان شخصیت اصلی

سریال انتخاب اما لحظات زیادی وقت سریال به شخصیت‌هایی می‌گذرد که به او و زندگی‌اش ارتباط زیادی نداشته‌اند. بحث پرداخت شخصیت معاویه نیز در لحظاتی به خصوص قسمت‌های ۹ و ۱۰ به شکل سریال‌های ترکی ارائه شده است. معاویه به عنوان فرمانروا، مدام از این‌زن به آن زن تمایل پیدا می‌کند و به بهانه فوت همسر هایش به دلیل بیماری و سیاست‌ورزی، شاهد

ساختار هنری سریال «معاویه» از سریالی نه چندان قوی و منسجم حکایت دارد که بیش از روایت‌گری قصه و شخصیت پردازی به نمایش سکانس‌های استراتژیک و معنادار بسنده کرده مضافا اینکه شیوه و روایت سریال در بسیاری از لحظات فاقد معنا و منطق به نظر می‌رسد



بر شکلی از اجرا گری است، توانمند بودن به «ثانوانی» است که امکان حضور «دیگری» در جایگاه معشوق را ممکن می‌کند و تجلی تمام و کمال معشوق را بار دیگر در افق پیش رو میهای می‌سازد. کافی است به نمایش‌هایی نظر کنیم که این روزها مثل قارچ در گوشه و کنار شهر سبز شده و مسئله‌شان عشق و عاشقی است! اما بویی از عشق حقیقی و رادیکال ندارند. اجراهایی که عشق را به حسادت‌های شخیف تقلیل داده و بیش از «ثانوانی» بر «ثانوانی» یا یاهمان «مالکیت» تاکید دارند.

شور بخانه اغلب نمایش‌هایی که این روزها نویسندگان ایرانی تولید می‌کنند فاقد هر نوع ایده‌ر‌هایی‌بخش به واسطه «عشق» است. برای اکثر کارگردانان تئاتر، سیاست بازنمایی روابط عاطفی نزد مردمان طبقات مختلف اجتماعی اغلب ذیل خیانت و زنگ‌بازی جنسی شکل یافته و این بهانه را به نظم‌نمادین می‌دهد که در مقام نهاد کنترل گر وارد میدان اجتماعی شده و بیش از پیش انسان‌های خطاکار شهری را عقوبت کند. به طور مثال می‌توان به نمایش‌هایی چون «اسکرین شات»، «شالینگ» و... اشاره کرد که در این مسیر تباهی قدم گذاشته و با خلق فضاهایی غیر واقعی و به شدت مخرب، موجب سوگیری شناختی مخاطبان و اعتماد به نفس فراینده نهاد‌های کنترل کننده عرصه فرهنگ می‌شوند. آثاری که این اجرا‌ها از سیمای شهروندان طبقه متوسط دهه‌نود و مابعدش روایت می‌کنند مبتنی است بر اخلاقیاتی که هم‌را کنش از دست رفته و غیر قابل اصلاح به نظر می‌آید. طنز ماجرا انجاست که خبری از نقش ساختارهای موجود در بوجود آمدن این وضعیت ناپسامان نبوده و این افراد هستند که به شکل انفرادی دچار خبط و خطا شده و زوال اخلاقی این روزها را سبب شده‌اند. وقتی ایده‌ای در باب تضاد عملیت و ساختار